



سیدمصطفی هاشمی طبا

حضور رئیس جمهور کشورمان در رأس یک هیئت دیپلماتیک در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل متحد به پایان رسید. برخی می‌اندیشیدند یا چنین تظاهر می‌کردند که این حضور لزوماً باید با موفقیت‌هایی برای کشورمان همراه باشد و صد البته خود می‌دانند که توفیقا و توافق‌ها، آن‌هم با وجود توطئه‌ها و سوابق نه‌چندان مفید، یک‌شبه صورت نمی‌گیرد، مگر آنکه تصویری باشد از تسلیم بلاشروط. اینکه این نشست با نشست سال‌های قبل چه تفاوتی داشته، نیاز به مذاقه بیشتر دارد اما به نظر می‌رسد طلیعه‌های روشن از نظامات بین‌المللی در این اجلاس خود را به نمایش بگذارد. از نگاه فاشیستی ترامپ و لاف‌زدن‌های دورغین نتانیا‌هو تا سخنرانی دلبرانه رئیس‌جمهور کلمبیا و سخنرانی منطقی رئیس‌جمهور ایران و برخی دیگر کشورها نشان داد که در دنیای امروز، دنیای به‌اصطلاح مرفقی و پیشرفته آزاد، فاشیسم را ابزار خود کرده اما این نیز مانند حکومت نازی آغشته به فاشیسم آلمان و ایتالیا دیری نخواهد پایید.

در این سفر رئیس‌جمهور بار دیپلماسی را بر دوش کشید اما آیا می‌توان انتظار داشت که دیپلماسی جای میدان را بگیرد؟

قبل از ورود به اصل موضوع کمی درباره دیپلماسی و میدان سخن بگوییم. به نظر می‌رسد دیپلماسی همان معنی مدارا را می‌دهد که حافظ فرمود «با دوستان مروت، با دشمنان مدارا» و شاید هم بتوان شیوه مدارا را از قرآن آموخت که خداوند به حضرت موسی می‌فرماید «ادعیا الی فرعون انه طغی و قولوا قولاً لیناً»، «به سوی فرعون که طغیان کرده، برو و با او با سخن نرم روبه‌رو شو» و البته این مدارا در خارج، در داخل به مروت تبدیل می‌شود. از سویی اگر دیپلماسی را «مداراگری» تعبیر کنیم، که فارسی را بیشتر پاس بداریم، باید همراه آن و با اولویت بر آن به میدان نیز بنیدیشیم. اما برخلاف آنچه بدواً به ذهن می‌رسد که میدان فقط میدان‌های جنگ و نبرد در برخی نقاط خارج از کشور است، دامنه بسیار وسیع دیگری نیز دارد. اگر «مداراگری» در صحنه جهانی است، در کشور به «مروت‌ورزی» تبدیل می‌شود و اگر میدان در برخی نقاط خارج از کشور به معنی جهاد و تلاش در آن مکان‌ها باشد، میدان واقعی در محدوده ایران است؛ محدوده‌ای که در آن میدان باید از مرزها دفاع کرده و در داخل میدان (کشور) تمام تلاش و کوشش و تدبیر را برای حفظ و نگهداری و ارتقای آن به کار بست و اتفاقاً اگر «مداراگری» در خارج با سیاست‌گذاری مقامات بالا و اجرا با وزارت خارجه و رئیس‌جمهور باشد، میدان به معنی واقعی آن در دستان رئیس‌جمهور است. با این تفاوت که معلوم نیست «مداراگری» در خارج به چه نتیجه‌ای برسد اما نتیجه «میدان‌داری» در داخل به کمک مردمان کشورمان که باید از مروت برخوردار باشند، حتماً به نتایج نیکو ختم می‌شود، به شرط آنکه رئیس‌جمهور «میدان‌داری» کند و میدان را به حال خود رها نکند. شاید اگر بگوییم رئیس‌جمهور‌های ما کلاً میدان‌داری نکرده‌اند، کمی اغراق کرده باشیم، زیرا رئیس‌جمهور‌های ما متفاوت بوده‌اند اما اگر بگوییم برخی رئیس‌جمهور‌های‌مان مانند احمدی‌نژاد میدان را تخریب کرده‌اند، سخنی به گراف نگفته‌ایم. تصویری از کشورمان، هم از لحاظ شرایط طبیعی و طبیعت خداداد آن و هم از نظر تأسیسات ساخته انسان و هم از نظر اجتماعی، نشان می‌دهد که به طور متوسط تا چه اندازه این میدان‌داری سلخته، بی‌هدف، مخرب و نابسامان بوده، یعنی رئیس‌جمهور‌های ما از اینکه چه‌کاره هستند و میدان را بشناسند، درمأنده و عاجز بوده‌اند، البته نمی‌گوییم به عمد و قصد. درست است که بخشی از میدان در دست نظامیان است و آنان باید از آن دفاع کنند اما میدان اصلی و واقعی سرزمین ایران است که این میدان را باید رئیس‌جمهور بشناسد، حفظ کند، آباد کند و در ارتقای آن و اجرای آن ازجمله مردم بکوشد. مگر نه اینکه حفظ نظام از اوجب واجبات است؛ پس حفظ ایران که نظام در آن واقع است، حتی اولویت بر حفظ نظام دارد، یعنی به رئیس‌جمهور باید گفت این گوی و این میدان و گوی حفظ و نگهداری ایران را باید که در سراسر سرزمین به چرخش درآورد. با کمال تأسف ما میدان را نمی‌بینیم. میدان از یاد رفته است. می‌اندیشیم که اگر در نقاطی تحرک داشتیم، وظیفه میدانی را به انجام رسانده‌ایم. می‌دانم که بلافاصله پاسخ می‌دهند از روزی که آمده‌ایم، هر روز یک بلایی می‌رسد. آری، ولی می‌خواهیم با میدانی که در اختیارمان است، چه کنیم. به بهانه تحریم و جنگ و... دست روی دست بگذاریم تا میدان‌مان نابود شود.

پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۴	
۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷	
۲ اکتبر ۲۰۲۵	
سال بیست و دوم	
شماره ۵۲۱۸	
۳۰ هزار تومان	
۱۲ صفحه	

روزنامه شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید:

روایت وزرا از اولویت‌های دولت • انتقاد قالیباف از نمایندگان مجلس؛ از طرح هم‌زمان ۵۰۰ سؤال خودداری کنید • زلزله ویرانگر در خانه همسایه / مهدی زارع

مجمع تشخیص مصلحت نظام با پیوستن ایران به سی‌ا‌تی موافقت کرد

بالاخره CFT

گزارش تیتربیک را در صفحه ۳ بخوانید



هم‌صدایی هواداران، برندها وفدراسیون‌ها علیه رژیم صهیونیستی

فوتبال اسرائیل در ورودی جهنم

این گزارش را در صفحه ۹ بخوانید عکس: Gettyimages



نگاهی به فضای سیاسی بعد از بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت در گفت‌وگو با محمدعلی وکیلی

رقص روی خاکستر

برگزیده‌ها

«شرق» وضعیت جامعه ایرانی را ۱۰۰ روز پس از جنگ ۱۲ روزه بررسی کرد

برزخ اضطراب

هاشمیان برای تغییر اوضاع محکوم به پیروزی است

وقتِ برخاستن سرخ‌ها

آرایش چندجبهه‌ای واشنگتن

و استقرار سوخت‌رسان‌ها در منطقه

۳ جبهه در یک قاب

«شرق» گزارش می‌دهد

وقتی آمریکا

درِ دیپلماسی را بست

۱۴۶ نفر مؤدی مالیاتی انتخاب کرده‌اند که با مالیات آنها استخر سروشیده دانش آموزی قوچان تکمیل شود

مالیات در خدمت

نخبگان ورزشی

نگاه

جایگاه اصل حاکمیت اراده

دراوری در حقوق ایران

یادداشتی از مهدی عرفی

یادداشت

به پیشواز «هفته تهران» در خیابان لاله‌زار



ترانه‌یلدا

معمار و شه‌ر ساز

چندسالی است دوستداران شهر تهران منتظر می‌شوند تا ماه مهر از راه برسد و در کنار بازگشایی مدارس و جشن مهرگان، روز تهران و گاه «هفته تهران» را نیز جشن بگیریم. قبلاً کاهی شه‌ردار منطقه ۱۲ برای خوشحال‌کردن مردم تهران قدیم، برنامه‌های شادمانه و کنسرت رایگان برای جشن‌ها برگزار می‌کرد، اما فعلاً چندسالی است تنها به مناسبت‌های مذهبی مراسمی در مقیاس شهری برگزار می‌شود. خوشبختانه امسال سازمان زیباسازی ظاهراً خیال دارد به مناسبت هفته تهران، همچون چند سال پیش، برنامه‌هایی شاد و نمایشی در خانه طهران یا همان خانه اتحادیه معروف به خانه دایی‌جان ناپلئون برای عموم بگذارد که در کنارش به ما دوستداران لاله‌زار و تهران قدیم هم فرصت داده شده از فضای باز حیاط بزرگ آن برای دعوت اهالی لاله‌زار و تهرانی‌های علاقه‌مند به شهرشان، استفاده کنیم. همین جا از همه خوانندگان عزیز «شرق» دعوت می‌کنم از ۱۴ مهر (روز تهران) تا ۲۱ مهر (آخرین روز هفته تهران) هم‌روزه از ساعت ۱۰ صبح تا سه بعدازظهر به ما سر بزنید و به‌گپ‌وگفت دربارۀ لاله‌زار و تهران و گذشته و آینده آن بنشینید. جلسات را غیررسمی و در حوض‌خانه زیبای خانه در حیاط گذاشته‌ایم تا آن‌شاءالله همه راحت به ما بپیوندند. لیوان و قمقمه هم همراه بیاورید.

سال‌هاست معتمدت وقت آن رسیده است که مردم شهر که در دوران قدیم به خاطر داشتن حیاط در خانه‌هایشان، زیاد به گشت‌وگذار خانوادگی در شهر عادت نداشتند، اکنون در دوران آپارتمان‌نشینی، با بازپس‌گیری فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی شهری، گردش و معاشرت محلی را در برنامه خود بگنجانند. متأسفانه اعتماد و حس همبستگی اجتماعی در شهر تهران و بسیاری محلات آن به خاطر تخریب‌ها وتغییرات مداوم در بافت ساکنان و شرایط سخت اقتصادی بسیار ضعیف شده و چه خوب است شهرداری فضاهایش را به روی مردم باز کند. همین خانه اتحادیه سال‌ها بعد از تعمیر و مرمت، درهایش بسته بود و برنامه‌ای نداشت و تازگی‌ها به همت مدیرانش، محجوبانه در‌ها را باز می‌کند. آن‌هم نه راحت و نه رایگان.

اما روز تهران... از سال ۱۳۹۵، ۱۴، همراه به نام روز تهران نام‌گذاری شده است. زیرا در مردادماه ۱۳۸۵ فرمان برایای مشروطیت به امضای مظفرالدین شاه قاجار می‌رسد و اولین جلسه مجلس شورای ملی در ۱۴ مهر همان سال در کاخ گلستان تشکیل می‌شود. به دنبال تشکیل نخستین دوره مجلس شورای ملی، قانون اساسی ایران نیز تصویب و طهران رسماً و به‌طور قانونی به پایتختی ایران انتخاب می‌شود.

نورا حسینی، روزنامه‌نگار شایسته و پیکار‌ما، پارسال به مناسبت «روز تهران» مصاحبه‌ای با آقای احمد مسجدجامعی برای روزنامه شرق انجام داد که خواندن آن خالی از لطف نیست. ایشان می‌گویند: پیش از ما، شیراز هم این‌کار را کرده بود. در این کار، دستگاه‌های دیگر هم خیلی همکاری می‌کردند. تمیر تهران چاپ می‌شد، تهران‌بزهان حضوری فعال داشتند، وزارت ارشاد همکاری پررنگی در این راه داشت، نمایشگاه تخصصی کتاب‌های تهران برقرار می‌شد، کتابخانه‌ها به‌طور رایگان از علاقه‌مندان ثبت‌نام می‌کردند، سینماها بلیت نیم‌بها می‌فروختند و در روز تهران بازدید از موزه‌های پایتخت رایگان اعلام می‌شد. مدارس تهران برنامه‌های ویژه‌ای داشتند و تربیت‌بدنی هم مسابقاتی برای این ایام طراحی می‌کرد. همچنین، موزه ملی به مناسبت هفته تهران، یک بخش را به اشیا و آثار تهران اختصاص داد. برای راهاندازی «موزه تهران» نیز بحث‌هایی داشتیم ازجمله اینکه یک طبقه از ساختمان جدید بلدیۀ (خانه شهر در میدان توپخانه) موزه تهران شود. مسجدجامعی در ادامه می‌گوید: «میس به ایده خانه تهران رسیدیم. خانه اتحادیه برای این کار انتخاب شد. اینجا همه محصول همین «روز تهران» بود. روز تهران و خانه تهران و حتی موزه تهران یک کار صرفاً دولتی نبود و به‌گونه‌ای طراحی شد که نهادهای مدنی شهری و حتی نهادهای سرمایه‌گذاری از قبیل بانک‌ها و اتاق بازرگانی و اتاق اصناف هم در آن جایگاه داشته باشند؛ چون خانه تهران قرار نبود از جنس خانه هنرمندان باشد... بگذریم... که ای کاش اتفاقا خانه اتحادیه (خانه طهران) چیزی شبیه خانه هنرمندان می‌شد و درهایش مثل خانه هنرمندان رو به شهروندان باز می‌بود. امروز حتی لاله‌زاری‌ها هم نمی‌دانند چنین جایی وجود دارد، چه رسد که به آن سر بزنند.

افسوس... در محوطه میدان مشق (باغ ملی قدیم) هم برنامه اجرا نمی‌شود و علی‌رغم حضور موزه‌ها و هزینه زیادی که سازمان زیباسازی برای تعمیر، مرمت، بازسازی، فضای سبز و آب‌رسانی و نور و کفوش و... در آنجا کرد، دیگر سال‌هاست شاهد حضور مردم آن شهروندان ساکن منطقه ۱۲، می‌گوید: «در آنجا را بستند و رفت‌وآمد به آنجا را محدود کردند. در ساعات غیراداری که وقت فراغت و آمودشد تهرانی‌هاست، درهای آنجا بسته است. اصلاً معلوم نیست چرا این خیابان در دارد؟ می‌گوید: ما خیلی برای گشایش آن به روی شهروندان یادداشت نوشتیم.



کتاب شرق

